

گزارش آتیه‌نو از یک مرکز کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست

جایی که عشق پناهگاه فرشته‌هاست



گزارش

آیا تاکنون از نزدیک کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست را دیده‌اید؟ آیا از حس و حال آن‌ها و انتظاری که برای پیدا کردن خانواده می‌کشند باخبرید؟ هر کودکی در این دنیا حق زندگی آرام و بی‌دغدغه را دارد؛ چراکه والدینش او را به این دنیا دعوت کرده‌اند. امکانات اولیه برای زندگی خوب، رفاه، آسایش، عشق، محبت و تحصیل همه و همه حق کودکان است. آن‌ها برای مراقبت از خود بسیار ضعیف هستند و این مسئولیت والدین است که زندگی خوبی را برایشان فراهم کنند. حال فکر کنید تعداد یادی از این کودکان در سراسر جهان به‌جای دنیای رنگی، یک کودکی سیاه را تجربه می‌کنند. هیچ کودک پاک و معصومی لایق دنیای سیاه نیست و اگر سرپرستی نداشته باشد که او را به آینده‌ای روشن هدایت کند چه بر سر او خواهد آمد؟

این گزارش باتاب حال و هوای کودکانی است که به هر دلیل والدین خود را از دست داده و در مرکز کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست دخترانه پگاه واقع در شهرستان رباط کریم نگهداری می‌شوند. این مرکز شامل ۹ پرسنل اعم از مدیر، مسئول فنی، سه روانشناس، دو مددکار، یک پزشک و یک آشپز است. تعداد کودکانی که در این مرکز نگهداری می‌شوند متغیرند؛ یک طبقه که دارای ۱۰ اتاق مجزاست مختص نگهداری کودکان رده سنی سه تا هفت سال است، یک طبقه بخش اداری بوده که اورژانس اجتماعی در این بخش مستقر است. همکف و محوطه حیاط این مرکز هم ه وسایل سرگرمی، آموزشی، ورزشی و بازی کودکان اختصاص یافته است.

دلنگ مادر

به محض ورود به بخش نوباوگان با دختری عروسک به دست به نام نگار مواجه می‌شوم. او شش سال دارد و توسط نامادری اش مورد آزار و اذیت قرار گرفته است. آثار خشونت هنوز بر بدنش جامانده است؛ زخم‌های عمیق سوختگی که پوست پاهای کودک شش ساله را کاملاً زین برده. به دلیل زخم و جراحت زیادی که بر بدنش بود یک ماه در بیمارستان بستری شد. با اطلاع همسایگان و از طریق اورژانس اجتماعی (۱۲۳) به این مکان انتقال یافت. مربی اش می‌گوید وقتی غروب می‌شود و هوارو به تاریکی می‌رود نگار دلش می‌گیرد و بی‌قراری می‌کند. مادرش به او قول داده که حضانتش را برعهده بگیرد و او چشم‌انتظار مادرش است که بیاید و او را با خود ببرد. او در اینجا جایش راحت است اما مادرش را کم دارد و فقط دلش مادرش را می‌خواهد.

این دختر شیرین و دوست‌داشتنی با چشمانی سبز، پوستی گندم‌گون و صورتی زیبا و خواستنی آرزوهای حسرت‌ناپذیرش را نقاشی کرده است؛ مادر و پدرش را کشیده و می‌گوید این‌ها مادر

طبق گفته روانشناسان، سلامت روان کودکان رابطه مستقیمی با تعامل آن‌ها با والدین دارد. کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست در طیف بسیار وسیعی از مشکلات با یکدیگر شباهت دارند. نحوه برخورد با این کودکان اهمیت بسیار بالایی دارد؛ چراکه به قدر کافی آسیب‌دیده هستند و برخورد‌های اشتباه لطمات بیشتری به آن‌ها وارد می‌کند. درباره مشکلات و آسیب‌های روحی و روانی کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست، با لیلا غلامی، کارشناس ارشد روانشناسی بالینی به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

لیلا غلامی، روانشناس «مرکز شبه‌خانواده لؤلؤ» واقع در پرنه با بیان اینکه بیشتر کودکانی که به چنین مراکزی وارد می‌شوند با بحث نبود صلاحیت اخلاقی والدین مواجهند، درباره آسیب‌های روحی و روانی این کودکان می‌گوید: «دردی که این کودکان کشیده‌اند کمتر از ایتمان نیست. فقر، بدرفتاری و تکت زدن کودکان، اعتیاد والدین یا بزهکاری آن‌ها... می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری به این کودکان وارد کند که از جمله می‌توان به عدم اعتمادبه‌نفس، خشم، اضطراب، تنهایی، افسردگی، نافرمانی و ناامیدی، شب‌آراری، افت تحصیلی و... اشاره کرد. این کودکان به دلیل ناامیدی از محبت پدر و مادر به سختی به فرد یا افراد دیگر اعتماد می‌کنند و آسیب‌های روانشناختی زیادی دارند.» او تشریح می‌کند: «هرچه کودکان بیشتر در محیط‌های پر تنش خانواده به‌مانند آسیب بیشتری می‌بینند. در چنین شرایط تنش‌زایی در صورت عدم صلاحیت والدین می‌توان با اطلاع دادن به اورژانس اجتماعی (۱۲۳) آن‌ها را به محیط ایمن‌تری منتقل کرد؛ چراکه در این وضعیت نبود والدین برای سلامت کودکان در اولویت بوده و بهترین کمک است. هر چند کودکانی که به مراکز شبه‌خانواده منتقل و در آنجا نگهداری می‌شوند حتی اگر بازپیوند شوند و یا به فرزندخواندگی سپرده شوند باز هم بی‌قرارند. آنان را ناخودآگاه ذهنشان ترس از جدایی و ترس از دست دادن دارند. این چپه‌ها آن قدر مظلومند که حتی وقتی پیش خانواده زیستی خود برمی‌گردند و یا به فرزندخواندگی سپرده می‌شوند باز هم دل‌تنگ بخشی از زندگیشان هستند؛ دل‌تنگ کسانی که با هم در

و پدرم هستند اما من پیششان نیستم. بغض و ناراحتی ام را پشت لب‌خندم پنهان می‌کنم، بغضی که تمام‌شدنش دست‌خودم نیست؛ چراکه در پشت بعضی از کلمات حس غریب و متفاوتی نهفته و ذهن آدم را مشغول می‌کند. واژه‌هایی مانند تنهایی، بی‌سرپرستی، فوت والدین، حضانت و... از این دست هستند. به صورت‌های معصوم این کودکان که شاید هیچ‌گاه بوسه مادرانه بر آن‌ها نخورده می‌نگرم و درد سنگین و نفس‌گیری را در وجود احساس می‌کنم. تصور این حجم درد برای این دختر کوچولوی زیبا فراتر از تصور است.

باز پیوند نرگس

نرگس یکی دیگر از کودکانی است که تقدیر او را به این مکان کشانده است. به گفته مربی اش او با سن خیلی کم وارد این مرکز شد. پدرش از وقتی او به دنیا آمد به دلیل ناتوانی در تأمین مخارج، او و مادرش را رها کرده بود. وقتی نرگس زیر یک‌سال سن داشت مادرش از سر فقر و بی‌پناهی با این امید که سرنوشت بهتری داشته باشد او را با یک نامه داخل سبد رها کرده بود که سال ۹۸ از شیرخوارگاه به مرکز ما منتقل شد. موقع تحویل، مددکار مهربان شیرخوارگاه گفت او با آن موهای زیبا یک پرنسس است که بی‌شک زیباترین دختر خانه‌تان می‌شود. روزهای اول ورودش فقط اشک می‌ریخت و وقتی او را در آغوش می‌گرفتم سکت می‌شد؛ انگار دل‌تنگ آغوش بود که امنیت از دست رفته را به او برگرداند. مادرش دروا‌دور پیگیری حالسش بود تا اینکه مجدداً ازدواج کرد و از همسر جدیدش هم بچه‌دار شد. تجربه حس پدر شدن باعث شد که همسر او، اجازه دهد تا این مادر فرزندش را از بهزیستی ترخیص کند و حالا نرگس منتظر است که مقدّمات انتقالش به‌خانه فراهم شود و در کنار مادر و برادر جدیدش بزرگ شود.

جدایی تلخ خواهر و برادر
داستان آهو و برادرش اما غم‌انگیز است. این دخترک با بازگوش



شش ساله یک برادر هشت ساله دارد. از پدرشان خبری نیست و مادرشان هم درگیر اعتیاد است. طبق قوانین بهزیستی، مراکز دختران و پسران از شش سالگی از همدیگر جدا می‌شوند. برادر آهو در مرکز پسرانه نگهداری می‌شود. آهو گاهی اوقات دل‌تنگ برادرش می‌شود و گریه می‌کند. هر چند وقت یک‌بار ترتیبی داده می‌شود که آن‌ها همدیگر را ملاقات کنند اما این کافی نیست. آن‌ها با رؤیای با هم بودن زندگی می‌کنند. برادر آهو یک دفتر خاطرات دارد که در آن خاطرات دیدار با آهو را می‌نویسد و هرگاه که او را می‌بیند برایش کادو می‌آورد اما زندگی کردن با هم کجا و دیدار دو ساعته کجا! با خود می‌اندیشم که چقدر این غم‌ها برای دل این بچه‌ها بزرگ است. به گفته مربی اش خانواده‌ای برای میزبانی این خواهر و برادر اعلام آمادگی کرده و این یعنی اینکه آهو و برادرش میهمان آن خانواده می‌شوند تا مشکل اعتیاد مادرشان برطرف شود.

مهربانی مادرانه

با پرستو عباسی از مربیان تربیتی این مرکز صحبت‌م را آغاز می‌کنم. خانمی بسیار خوشرو، مهربان و دوست‌داشتنی که در نقش یک مادر و مربی از کودکان این مرکز نگهداری می‌کند و حدود هفت سال می‌شود که در آنجا مشغول به فعالیت است. او که خود مادر دو فرزند است تمامی این کودکان را فرزندان خود می‌داندو می‌گوید: «این بچه‌ها هیچ فرقی با کودکان دیگر ندارند؛ زیرا سهم و دخالتی برای بی‌سرپرست یا بدسرپرست‌شدنشان نداشته‌اند. داشتن آرامش و خانواده حق همه آن‌هاست. هرکدام از کودکانی که در این مرکز نگهداری می‌شوند داستان‌های متفاوت خود را دارند و اغلب رنج زیادی کشیده‌اند. این کودکان از دستان گرم و پرمهر مادر محرومند و فرشتگانی به آنان خدمت می‌کنند که فراتر از مادرند. برخی با رفغ مشکل سرپرست و دارا بودن قیم قانونی دارای صلاحیت از مرکز ترخیص شده، برخی دیگر که فاقد سرپرست

راهکارهای ارتباط مؤثر با کودکان آسیب‌دیده

می‌دهند. پروتکل اداری بدین صورت است که نامه پزشکی قانون، حکم دادستان و امضای مرکز بهزیستی برای پذیرش این کودکان که در مراکز موقت الزامی است. پس از پذیرش و تمامی بررسی‌های صورت‌گرفته برپونده تشکیل می‌شود. آنان حداکثر ۲۱ روز در آنجا می‌مانند که آزمایش‌های سلامت جسم و روان انجام شود. در صورتی که والدین و یا بستگان صلاحیت داشته باشند کودکان به آن‌ها سپرده می‌شوند. در غیراین صورت و نبود سرپرست مؤثر، در مرکز موقت براساس گروه‌های سنی (نوزادان، نوباوگان، نونهالان، نوجوانان و...) و جنسی پایش و تفکیک می‌شوند (دختران و پسران به‌صورت جداگانه نگهداری می‌شوند) سپس به مراکز شبه‌خانواده (دائم) انتقال داده می‌شوند. وقتی کودکان به مراکز شبه خانواده منتقل می‌شوند امکان بازپیوند (برگشتن به خانواده زیستی) خیلی کمتر است. پس مهم‌ترین کار این است که در همان ۲۱ روز مراکز نگهداری موقت، فرایند بازپیوند انجام شود. اولویت اول برای سپردن کودکان، در صورت داشتن صلاحیت والدین هستند در غیر این‌صورت اگر خویشاوندان تمایل نشان بدهند با فراهم کردن شرایط و امکانات لازم کودکان به آنان سپرده می‌شوند.»

مراکز نگهداری شبه‌خانواده

غلامی می‌گوید: «شبه‌خانواده بخشی از معاونت امور اجتماعی سازمان بهزیستی است که توسط افراد نیکوکار تأسیس و از طرف سازمان، بانیان این مراکز و خیرین به اندازه کافی تأمین مالی و حمایت می‌شود. محیطی شبیه به خانواده برای کودکان و نوجوانانی که پدر و مادر و جد پدری خود را از دست داده‌اند و در قید حیات نیستند و یا اینکه پدر، مادر یا جد پدری آن‌ها در قید حیات هستند اما صلاحیت نگهداری فرزند خود را برای مدت‌زمان مشخص از دست داده‌اند. در آنجا سعی می‌شود بهترین امکانات فراهم شود تا کودکان حس کنند در کنار خانواده‌شان هستند و بهتر تربیت شوند. برگزاری کلاس‌های جبرانی درسی، کلاس‌های فوق‌العاده زبان انگلیسی و ورزش کردن باعث می‌شود که این کودکان روزبه‌روز به اهداف خود نزدیک‌تر شوند. تماشای فیلم، کارگاه‌های انسان‌ساز

هستند در صورت داشتن شرایط فرزندخواندگی به خانواده‌های متقاضی سپرده می‌شوند و برخی نیز تا زمان پیدا شدن یک خانواده باثبات، به جای بودن در مراکز شبانه‌روزی، به‌صورت موقت در خانواده میزبان تحت نظارت بهزیستی نگهداری می‌شوند.» از او می‌خواهم از خاطرات تلخ و شیرین کار کردن در این مرکز بگویم: «زمانی که کودک بی‌سرپرست یا بدسرپرست را به اینجا می‌آورند و از خانواده‌اش جدا می‌شود برایم بدترین و تلخ‌ترین خاطره است. شیرین‌ترین خاطره هم بازگشت آن‌ها به کانون گرم خانواده و سی‌ا‌گذاری برای فرزندخواندگی است. اگرچه دلمان برایشان تنگ می‌شود اما از سامان‌دهی و آسایش آن‌ها همگی خوشحال می‌شویم.»

او ادامه می‌دهد: «ما به بچه‌ها عشق و محبت، امنیت و آرامش داده و مهارت‌های زندگی را به آنان آموزش می‌دهیم. کودکان در اینجا با بهترین شرایط و امکانات زندگی می‌کنند اما این خانه، خانه آن‌ها نیست. امیدوارم همه کودکان و نوجوانان ایران زمین در سایه مهر و محبت بی‌دریغ خانواده پرورش یابند.»

«دیدن مهربانی مادرانه مربی این مرکز برایم لذت‌بخش بود، در حالی که در دلم آرزو می‌کنم هیچ کودک بی‌سرپرست و بدسرپرستی وجود نداشته باشد و تمام پدر و مادرها وظیفه‌شان را در قبال سرپرستی فرزندان خود به‌تواحسن انجام دهند، این مرکز را ترک می‌کنم...»

سخن‌پایانی

به گفته مدیرکل امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور، برای نخستین‌بار تعداد کودکان نگهداری شده در مراکز در پایان سال ۱۴۰۲ به کمتر از ۹ هزار نفر رسید. او یکی از دلایل کاهش این تعداد را اجرای طرح خانواده میزبان عنوان کرد. بر اساس این طرح و بنا به‌اصلاحیه ماده ۱۳ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست، کودکان و نوجوانانی که به موجب حکم مرجع قضایی اعم از دادسرا یا دادگاه جهت نگهداری به بهزیستی سپرده شده‌اند با اجرای طرح میزبان برای مراقبت موقت تا تعیین تکلیف نهایی به خانواده‌های شایسته و دارای اهلیت سپرده می‌شوند.

علاقه‌مندان به شرکت در این طرح خدایسندانه باید به سامانه ملی فرزندپذیری مراجعه و ثبت‌نام کنند. پس از طی این مراحل، متقاضیانی که مورد تأیید قرار گرفته‌اند، دوره‌های آموزشی ۱۶ ساعته شامل روانشناسی، حقوقی و بهداشت، سلامت و ایمنی کودکان را می‌گذرانند. سپس در مرحله آشنایی خانواده با کودک جلسه‌ای جلسات آشنایی و آموزشی اختصاصی در مورد کودک میهمان برگزار شده و کودک وارد خانواده میزبان می‌شود. ارائه خدمات مراقبتی و تربیتی از سوی خانواده‌های میزبان صورت می‌گیرد و نظارت‌های دوره‌ای مددکاری فعال توسط بهزیستی انجام می‌پذیرد. باید توجه داشت که این خانواده‌ها زیر دهرین نظارت سفت و سخت بهزیستی قرار دارند و موظفند در پایان هر هفته به‌صورت خوداظهاری، آخرین وضعیت کودک را در سامانه مربوطه گزارش کنند.

و جلسات کتابخوانی جمعی از جمله فعالیت‌هایی است که اعتمادبه‌نفس و آگاهی را در بین آنان تقویت می‌کند. بازی‌های گروهی نیز برای تقویت بعد اجتماعی بچه‌ها متمرکز است. همچنین انجام فعالیت‌های مربوط به امور خانه توسط دختران سبب تقویت مسئولیت‌پذیری و مهارت برای زندگی آینده می‌شود. آنان در این مراکز با برگزاری دوره‌های آموزشی و مهارت‌افزایی فردی، اجتماعی و شغلی توانمند شده و بعد از ۱۸ سالگی با دریافت مبلغی ترخیص مستقل می‌شوند. ناگفته نماند علاوه بر کمک هزینه ودیعه مسکن تا پنج سال بعد از ترخیص تحت حمایت‌های مستمر و غیرمستمر بهزیستی قرار خواهند گرفت و بهزیستی و مؤسس مرکز شبه‌خانواده نیز بعد از مستقل شدن بر آن‌ها نظارت دارند.»

این روانشناس خانواده را یکی از عوامل تعیین‌کننده رفتار کودکان و نوجوانان در جامعه می‌داند که می‌تواند بر توسعه عزت‌نفس، خودکارآمدی و کنترل درونی تأثیر بگذارد. در همین زمینه او توضیح می‌دهد: «کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست از این نیاز اساسی بی‌بهره مانده‌اند. کودکانی که به‌طورمستمر از مراقبت‌های غیراستاندارد برخوردار می‌شوند، با چالش‌های روانی و اجتماعی قابل‌توجهی روبه‌رو هستند. این مسائل ممکن است مستقیماً ناشی از نظارت ناکافی والدین، آزار جسمی و روانی یا محیط نامناسب و ناپایدار خانه باشد که رشد کودکان را متوقف می‌کند. کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست به علت محرومیت از حضور مادر و عدم تجربه مناسب عاطفی - اجتماعی، با مشکلات رفتاری و عاطفی متعددی رشد می‌کنند. آن‌ها به دلیل فقدان والدین قطعاً کمبودهایی را احساس می‌کنند و برای جبران این کمبودها، به ناهنجاری‌های زیادی روی می‌آورند. ممکن است این کودکان به دنبال پیدا کردن دوستانی بروند که آن‌ها را جایگزین خانواده کنند که گاهی به انتخاب‌های نادرست و ضربه خوردن به احساساتشان منجر می‌شود. از این‌رو آموزش‌های فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی (آموزش مهارت‌های آماجگی برای ورود به جامعه، فراگیری مهارت‌های شغلی و برقراری ارتباط با دیگران) که هدایتگر آنان در آینده باشد ضرورت دارد.

معرفی کتاب



حمایت قانونی از حق آموزش کودکان بی‌سرپرست

بهزاد شهسواری در کتاب «نهاد قانونی سرپرستی کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست با رویکرد حق آموزش در حقوق شهروندی» (نشر آیت عقل)، کوشیده است تا با توجه به رشد و توسعه قوانین جاری، «حق آموزش» را، به‌عنوان یکی از نیازهای سرشار از اهمیت در زندگی برای کودکان و یا نوجوانان تحت سرپرستی، با در نظر گرفتن موازین منشور حقوق شهروندی، به‌صورت منظم و منطبق با قوانین جاری به‌ویژه قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲، تجزیه و تحلیل کند. نویسنده می‌کوشد تا به شیوه‌ای تخصصی سازو کارهای نهاد سرپرستی، شرایط متقاضیان سرپرستی و حقوق کودکان و یا نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست را، با نگاهی ویژه و تأکید بر حق آموزش برای آن‌ها، تبیین کند.

در ادامه بخشی از این کتاب را می‌خوانیم: در ابتدا با توجه به مقصود موضوع بررسی که توسعه و تبیین آموزش و پرورش به‌عنوان مصداقی از حقوق شهروندی کودکان و نوجوانان است، می‌بایست تعاریف، مفاهیم و مبانی مشمول این نهاد شناسایی و شرح داده شود. هدف در این فصل، توصیف، تبیین و کشف تعاریف و مبانی از نظر متخصصان و حقوقدانان برجسته‌است. معمولاً برای کشف واقعیت‌های موجود یا آنچه که هست، توصیف انجام می‌شود. بنابراین به تعریف و شرح آموزش و پرورش برای کودکان و نوجوانان، اصول آموزش و پرورش، موضوع شهروندی و جایگاه آن در دین مبین اسلام، نهاد قانونی سرپرستی و... می‌پردازد. با توصیف چگونگی موارد مذکور و در نظر داشتن شرایط و فرهنگ در جوامع و دوران زمان‌های مختلف، می‌توان اجزای موضوع را نیز مشخص کرد. گرچه بیشتر بررسی مبانی موضوع بحث دارای اهداف توصیفی است اما برخی از آن‌ها هدف تبیینی نیز دارند. به‌عنوان مثال در تعریف سرپرستی و یا فرزندخواندگی، تشابهات و تفاوت‌های کودکان و یا نوجوانان تحت سرپرستی با فرزندان حقیقی و قوانین حاکم بر آن‌ها مشخص خواهد شد. زمانی که شخصی بتواند منظور خود را به‌طور صریح و مستند به مخاطب انتقال دهد، می‌توان او را در تبیین موضوع موفق شناخت، لکن این امر ممکن است برای هگان به اندازه‌مسواوی قابل‌فهم نباشد؛ زیرا نیروی ادراک اشخاص نسبت به یکدیگر متفاوت است. تبیین به‌نوعی انتقال ذهنیت است و با استفاده از کلمات، به شکلی مخاطب آن را درک خواهد کرد. در کاوش و کشف، جست‌وجو در خصوص امکان‌هایی است که توسط محققان و حقوقدانان پیگیری شده است؛ برای نمونه می‌توان منابع حقوق، اصول اساسی در تربیت اسلامی و... را نام برد.

دانش حقوق علم، واژه آشنایی است که هرکس آن را به گونه‌ای مورد استفاده قرار می‌دهد. علم معادل واژه انگلیسی Science به معنای مهارت و فن است. با توجه به اینکه معنای لغوی علم واضح است اما مصداق آن با توجه به هر رشته مخصوص به آن، متفاوت است. علم را می‌توان به نوعی آگاه شدن نسبت به امری تعریف کرد. علم در لفافه پر رمز و رازی پیچیده نشده و پدیده‌ای اسرارآمیز نیست، بلکه مجموعه فعالیت‌های منظم و منسجمی است که با تکیه بر آن واقعیت‌های جهان در کنار هم نهاده می‌شوند. به‌طور کلی می‌توان بر این نظر بود که بیش‌تر علوم درصدد کشف و شناخت طبیعت و موضوعات پیرامون انسان است. در این فعالیت سه جزء عمده وجود دارند: «توصیف، کشف نظم و صورت‌بندی نظریه‌ها و قوانین.» علم حقوق از منظر جنبه‌های متفاوت مورد بررسی حقوقدانان برجسته قرار گرفته است. حقوق هنری است که بر مبنای علم استوار شده، بدین تعبیر که هنر در گزینش نهایی به کار می‌رود اما قواعد به شیوه علمی به‌دست می‌آید. هدف حقوق تنها کشف قواعد حاکم بر تحول اجتماع و بررسی عادات و رسوم موجود نیست. هدف نهایی این است که با استفاده از وسایل علمی، به قواعد دست یابد که بهتر بتواند عدالت و نظم را در جامعه مستقر سازد و سعادت مردم را تأمین کند.

